

انحراف از اصل

روح الله خالقی در جلد اول کتاب «سرگذشت موسیقی ایران» آورده است که: «رسم عزاداری ایران از لحاظ نوحه‌خوانی با موسیقی ارتباط دارد. در گذشته نوحه‌خوان‌های خوب پیدا می‌شدند که به نعمات موسیقی هم آشنایی داشتند و آهنگ‌های نوحه را به سینه‌زن‌ها و پامنبری خوان‌ها می‌آموختند ولی حالا نوحه‌ها بازاری شده و کمتر نغمه دل‌فریبی دارد.»

خالقی در جای دیگری درباره نوحه‌خوانی دوره قاجار آورده است: «از جمله کسانی که معلم نوحه‌خوانی بودند میرزا محمد مکتب‌دار اصفهانی است. در زمان او پامنبری‌ها که قبل از واعظ در پایین منبر نوحه می‌خواندند و همچنین اشخاصی که می‌خواستند آهنگ‌های نوحه سینه‌زنی را خوب فراگیرند، نزد او می‌رفتند و طرز صحیح خواندن اشعار نوحه را فرا می‌گرفتند. چنان که ملاحظه می‌شود به این ترتیب، خواندن نوحه، فنی به شمار می‌آمده است و باید این کار را از اشخاصی که اهل اطلاع بودند یاد بگیرند و البته نوحه‌هایی که با این روش خوانده می‌شد اثر مطلوب‌تری داشت.»

با مرور گفته‌های خالقی می‌توان به این نتیجه رسید که او خیلی قبل‌تر، از انحرافات موجود در موسیقی مذهبی و به خصوص موسیقی ایام عزاداری سالار شهیدان آگاه بوده است. این فرآیند همچنان تاکنون نیز وجود دارد و در حال حاضر نیز بسیاری از موسیقی دانان به این مسئله اشاره دارند و نگرانی‌های خود را از آنچه که هم اکنون در حال رخ دادن است، نشان می‌دهند و تمام اینها در حالی است که هیچ اقدام مؤثری در این زمینه صورت نمی‌گیرد. شاید به همین خاطر است که حسین علیزاده که آلبوم "نی نوا" ی او از متعالی‌ترین موسیقی‌های مذهبی ساخته شده در این سال‌هاست، در این باره گفته است: "اغلب نوحه‌خوانی‌ها و هر آنچه مداحان می‌خوانند موسیقی کم ارزش و به عبارتی کوچه بازاری و بسیار به دور از احترام لازم به شعائر مذهبی است. به علت قدرتی که مذهب دارد، موسیقی باید تحت تأثیر کلی آن قرار گیرد تا بتواند ادامه حیات دهد. این مسئله را می‌توان در آواز مشاهده کرد که در آن، مرثیه‌سرایی بیشتر از حالات دیگر به چشم می‌خورد و علت هم این بوده که آواز بتواند ادامه حیات دهد. موسیقی سازی که جای کار بسیاری دارد."

البته در سال‌های اخیر، این انحرافات چنان است که فغان کسانی جز موسیقی دانان را هم درآورد و به همین خاطر راه‌هایی برای مقابله با این جریان شکل گرفت؛ راه‌هایی که البته تنها بر اعمال یک رشته محدودیت در استفاده از شعر نوحه‌ها و همچنین استفاده نکردن از ساز استوار شده و هیچ تلاشی جهت اصلاح آن به خصوص از لحاظ موسیقایی انجام نگرفته است.

بی‌توجهی و ابتذال در موسیقی آیینی و به خصوص موسیقی عاشورایی به بالاترین شکل ممکن خود رسیده است. حاتم عسگری، استاد ردیف آوازی، در این باره چنین اظهار نظر می‌کند: "سه نوع اصلی از موسیقی مذهبی، مداحی، روضه خوانی و تعزیه خوانی وجود دارد که هر یک از انواع موسیقی در دوران قاجار توسط استادان برجسته موسیقی به کار برده می‌شد. با تأسیس رادیو، مداحی در سطح گسترده‌ای رایج شد و در همین دوران بود که موسیقی در تعزیه خوانی و مداحی به وسیله افراد نابلد به عنوان مداح و یا حتی کارشناس دچار پسرقت شد و یا به عبارت بهتر در سطح ماند و تمام میراث به جا مانده از آثار استادان برجسته رفته رفته از بین رفت."

به هر روی، هر صوت، نغمه و آوا که از تقارن، توازن، تجانس و تطابق برخوردار باشد رنگ و بویی از نعمات الهی را دارا است و هر آنچه این گونه باشد قطعاً مذهبی و دینی خواهد بود. البته این موضوع مختص و منحصر به موسیقی نیست، بلکه در همه رشته‌ها و شاخه‌های انسانی و هنری صادق است. به نظر می‌رسد یکی از مسائلی که همواره به موسیقی مذهبی لطمه‌های جبران‌ناپذیری وارد کرده ناآگاهی مداحان و طراحان تعزیه از اصول و القبای موسیقی در نوحه خوانی و یا تعزیه است. در موارد بسیاری دیده شده که مداحان نمی‌دانند در وصف حال امام حسین (ع) و یارانش از چه مقامی و دستگاهی استفاده کنند. اکثر موسیقی‌های مذهبی ما در دهه‌های اخیر خصوصاً بعد از انقلاب به سمت بی‌هویتی و بی‌محتوایی رفته، طوری که حتی قدرت تأثیرگذاری بر روی مخاطب را نیز از دست داده است.

داریوش پیرنیاکان، محقق موسیقی و استاد دانشگاه در این باره می‌گوید: "متأسفانه اکثر موسیقی‌هایی که به نام موسیقی مذهبی از صدا و سیما و بعضی مراسم‌های عزاداری می‌شنوم برگرفته از ملودی‌های مبتذل غربی و پاپ است و این نوع

موسیقی نه تنها قدرت تأثیرگذاری ندارد، بلکه تأثیر عکس خواهد داشت؛ در حالی که اجرا کننده موسیقی مهم است. اگر کسی که مجری ساخت این نوع موسیقی‌ها است ملودی را نشناسد و فواصل موجود در ساخت آهنگ‌ها را رعایت نکند و نداند چه گوشه‌هایی را می‌تواند مورد استفاده قرار دهد، مطمئناً نمی‌تواند موسیقی تأثیرگذاری بسازد.^{۱۱} در دوره‌های گذشته معمولاً خواننده‌های تکیه‌ها استادان آواز بودند و تمام زیر و بم علم موسیقی را می‌شناختند. علاوه بر این، موسیقی‌دان‌های مذهبی در مواجهه با صحنه تعزیه از یک روان‌شناسی خاص بهره‌مند بودند و می‌دانستند در چه شرایطی باید چه قطعه‌ای را بخوانند و اجرا کنند تا آن طور که لازم است بر مخاطبان تأثیر بگذارند. تمام این مسائل اما امروزه به فراموشی سپرده شده است. این انحرافات در موسیقی مذهبی ایران در حالی رخ می‌نماید که باید به این مسئله توجه داشته باشیم که کل موسیقی ما جدا از دین و مذهبمان نبوده و دین و موسیقی ایرانی در کنار هم قرار گرفته‌اند و در یک راستا حرکت می‌کنند.

حسام الدین سراج، خواننده، که خود در زمینه موسیقی مذهبی تجربه انتشار یک آلبوم را دارد، در این باره چنین اظهار نظر می‌کند: "در قدیم استادان موسیقی برای اینکه به شاگردان خود تمرین بدهند، از اشعار مذهبی استفاده می‌کردند؛ مثلاً یک شعر با درون مایه مذهبی را در گوشه‌های مختلف از جمله گوشه‌های راست، حجاز، نوا، حسینی، مخالف و عراق می‌خواندند. هر کدام از این گوشه‌ها متعلق به یک دستگاه یا آواز هستند و خواندن این شعر به صورتی که هر کلمه در گوشه مورد نظر خوانده شود بسیار سخت است. قداماً برای آموزش موسیقی ایرانی از موسیقی مذهبی استفاده می‌کردند و برعکس، برای اجرای مراسم مذهبی، از موسیقی ایرانی."^{۱۲}

او همچنین بر این اعتقاد است که: "مذهب و هنر که موسیقی هم زیر مجموعه‌ای از آن است، در یک راستا هستند و به مبانی فطری انسان باز می‌گردند و مشکل موسیقی مذهبی امروز به دوستانی باز می‌گردد که کار هنری می‌کنند. آنها از پیشینه این موسیقی باخبرند، اما متأسفانه به این مسئله توجهی ندارند."^{۱۳}

به هر روی به نظر می‌رسد هم اکنون اهالی موسیقی خود باید در این زمینه وارد عمل شوند و سعی در شناسایی انحرافات و اصلاح ساختار آن داشته باشند، ضمن آنکه لازم است آثاری در این زمینه ارائه و مطابق با زمان و با پویایی خلق و تولید شوند تا علاوه بر آنکه ارتباطی عمیق‌تر با مخاطبان برقرار کنند، به شکل مؤثری راه را بر انحرافات که در این زمینه وجود دارد ببندند.

مجید کیانی در این باره می‌گوید: «شاید بعضی از گوشه‌های موسیقی به وسیله همین نوحه‌ها حفظ شده و تا امروز رسیده باشند، چون این نوع موسیقی همیشه مورد توجه مردم بوده و اجرا می‌شده است.»^{۱۴}

می‌توان متوقع بود که موسیقی عاشورا سرشار از لحن حماسی و پرشکوه باشد، اما شهادت امام (ع) و یارانش که به دلیل قساوت و شقاوتی سخت بود، پیروان و بازماندگان و نسل‌های بعد را آن قدر آزرده خاطر ساخت که این زخم گلوگیر و بغض خونریز با هیچ مرهم و دارویی (هر چند به عظمت و بزرگی آزادی) مرتفع و برطرف نمی‌شود و در نتیجه موسیقی عاشورا و محرم سرشار از الحان سوزناک و نغمات اندوه‌زا و ریتم‌های سنگین و کم تحرک و همچنین مناسب‌ترین مکان و جایگاه برای بیان داغ و درد کهنه انسانی به وسیله سازهای کشتی است. بی دلیل نیست که در موسیقی عزا و سوگ هرگز سازهای مضرابی کاربرد جدی و اصلی ندارند و سازهای کوبه‌ای برای ترسیم آن ضربه دهشتناک و سازهای کشتی (به‌ویژه بادی) نالان و مویان جهت تصویر آن نفیر و صفیر و نفس و دم آشناک استفاده می‌شوند.

موسیقی مذهبی در ایران در میان تمامی خرده فرهنگ‌ها و تفکرها وجود دارد، به گونه‌ای که حتی نگرش‌های مذهبی خالص را تحت تأثیر خود قرار داده و اگر نتوانیم آنها را متناسب با فرهنگ ملی خودمان به مردم معرفی کنیم، قافیه را خواهیم باخت. ضمن آنکه هر آیینی برای پویایی به تغییر احتیاج دارد. در اینکه این آیین باید زنده بماند و اجرا شود شکی نیست، چرا که تنها در این صورت است که می‌توان آن را در بهترین وجه به نسل‌های بعد انتقال داد...